



University of Nebraska at Omaha
DigitalCommons@UNO

Kārawān

Digitized Newspaper Archives

10-13-1969

Kārawān, 1348-07-21, 1969-10-13

Abdul Haq Waleh

Səbahuddiñ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>



Part of the Asian History Commons

Please take our feedback survey at: https://unomaha.az1.qualtrics.com/jfe/form/SV_8cchtFmpDyGfBLE

Recommended Citation

Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Səbahuddiñ, "Kārawān, 1348-07-21, 1969-10-13" (1969). *Kārawān*. 93.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/93>

This Book is brought to you for free and open access by
the Digitized Newspaper Archives at
DigitalCommons@UNO. It has been accepted for
inclusion in Kārawān by an authorized administrator of
DigitalCommons@UNO. For more information, please
contact unodigitalcommons@unomaha.edu.



بخود کار بیکار

بچه های زمانه

هر دو زنگ یکجاتی بصد آمد. گو شک تیغون را دختر بر داشت و در واژه کو چه را پسر باز کرد. هر دو احوال دادند که بینه خدا ز شما میخواهد یکبار زود بخانهش بروید.

خنده کنان گفتتم باو بگو نیز که گدام بیکار را بیا لد... هر دو گفتند و شر که مو ضوع جدی و آمدن فوری یکبار لازم و خوراکه تیار است. طبعاً میدانید که یا فتن یکلهمه بیو چرب، درین روز گزار خشک بمال و گذشت. خاصه آنکه دو کاری ما در طرف یکی دو ما هم اخیر موکلین خود را بشمول مخلص پنهان خور هم ساخته اند.

خوب چنین را یک شانه با لا و یک شانه پا یان اندخته جا نب خانه خدا

بنده خدا را زون شدم. حتی در حوالی شان آواز یکی از بچه ها می امده در

باو قاتحت فرید میکرد و حر فهانی بزبان می آورد که نب و دندان آدمی بانان

به آن آلوهه میاد!

بر سیدم خوب برا در گستیست؟

گفتند کپ خرا بست! به آغاز اده گفته شد که همراه خواه هر ده

در صنف چار است کمک کن تا حساب کسر را خوب باد بگیرد. ما

ولی آغاز اده گفت که وقت ندا ردمیرود سینما که فلم خو بی مو راه

نمایش قرار گرفته.

با از آغا زاده تمنا شد که درنما یش پنج و پنج نیم نیرو بدلکه در یک

هفت و نیم بروند تا هم بخواه شکم بکند وهم از سینما نماند.

واو گفته که آخر بایک هم صنفی خود و عده دار است و نباشد و عده اما

شلاقی کند زیرا خلف و عده اخلاق قامه مو میست.

پدر با شنبه افتاد و بما در گفته

که می داد آغا زده خود ش خسما

کسر را نمیداند که خانه خالی را

میکند.

ما در گفته که نی بایا. نام خدا

امسال در صنف هشتاد یا نه میباشد

(زیرا آغاز اده پار سال پار چه خود

را بخانه نیاورده و پار چه پار چه

کرد و به آب در یاری کابل داده که

آنرا بخلاف آزاد بر ساند تا میاد

درینجا خنک بخورد ازین سبب بخانه

معلوم نیست که آغا زاده بکدام صنف

تشمریف شریف را میبرند).

پدر ما در هر دو آغاز اده زایل

سوال کسر داده که محل کند. سوال

از تقدیم همین خواه ش بود که در

صنف چارم درس میخواهد.

آغاز اده نیم ساعت، یکسا عتی که

جانب سوال دیده، حیران ما نده که

اسپ را از تجاویزی نداند و ناکهان

فرید بر آورده که شما بمقابله

متکنی بر رو شهابی واقعه نگاری

بکنند.

من بی عزتی و بی حرمتی کرد

باشد.

در نشر خبر های مربوط به انتخابات

حرب آشنه در پار نمان میگزد

و بروید و چون روحیه من با هر کس

متقابله میباشد نمیدانم هم تو قع

ندا شته با شمید که از من روحیه خوب

بینیم و بعد حر فهایی که گفته که مادر

پدر تو قع نداشته اند.

کتاب را یک طرف زده و آنرا باره

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

برداشته و گفته آغا جان بخدا من

یک روز دیگر هم ضرب زبانی را از

کتاب را یک طرف زده و آغا جان

کرد و خواه ش کتاب خود را

مکا تیپ وارد

(باقیه صفحه ۲)

بیشنهادها میر سد که فکر میکنم
نشر آن در کار وان خالی از فایده
نباشد. مثلا:

۱- اگر یک تعداد بچه ها در کابل
تحت نظر معلمان ما هر قایلین باقی
باقی قایلین مور را بیا و زند، هم
اطلاعه کرده چنان سیستمی را برای
این بجهه ها از سر سبیلی رها اثی
می باشد و هم در تو لیدات صنایع
دستی ترازید بعمل می آید.

۲- از چندین سال به این طرف
می شنوند که در شیر غان فلان
چاه بطرول اینطور شد و فلاں انتظار
و لی نیجه معنوم نگردید که ما
بالاخره چه وقت از خود نفت خواهیم
داشت؟

۳- در تیر پل هرات مقدار زیاد
نفت هو جسود است و کسی آنرا
استخراج نمیکند.

۴- در صفحات شماره به صد ها
هزار جریب زمین مو جود است که
از سبب قلت آب یا فقدان آن دایر
مانده یا اینکه یک قسمت را مردم
لهمی میکارند. در حا لیکه در بسیاری
از مناطق شمالی آب نزدیک زمین
واقع است و تنها ساختن بند و
کانال لازم دیده می شود.

با احترام پایانده محمد عزیزیان

یادداشت اداره:

۱- ما به نظر صایب پیر مردان
از همه بیشتر احتیاج داریم. بیشنهاد
اول شما مربوط به اتحادیه صادر
کنند کان قانین است. با آنها
امکانات این کاز و مشکلات آن را
آغازده بیشتر بی اد بی نکند هم
بطلاعه کرده برایها بنویسند. اگر
بجهه ها از کوچه ها جمع آوری
شده صاحب کسب و کار کر دند
بهترین خدمت اجتماعی را انجام
داده خواهیم بود.

۲- از چاهای شیر غان گاز
طبیعی بدست می آید که تو سط
پایپ لاین (بوله های بزرگ) به اتحاد
شوری صادر میگردد. را جمع به
نفتی که ازین چاه ها حضور میشود
منتهی است وزارت معاذن و صنایع
قدرتی معلومات بدهد.

۳- مو ضوع وجود نفت در تیر پل
و امکانات استفاده ازان نیز یک
مسئله اختصاصی است که این
به وزارت معاذن و صنایع از تا ط
دارد و روشنی افکنند بران از طرف
ایشان خیلی مطروح است.

۴- ساختمان بند های آبیا ری
سرروی های قبلی و مصرف بودجواری
ایجاد میکند. امید و ازیز و زارت
زراشت و آبیاری درین قسمت
خواهد کان ما را تقویت نماید.

انتخابات

(باقیه صفحه ۲)

شده میتواند.
کار مربوط باین مو ضوع باشد
چندان مشکل نباشد. در بساممالک
دیگر هم را دیو دو لقی بوده و ما

میتوانیم سیستم های مختلف را
تحت نظر معلمان ما هر قایلین باقی
باقی قایلین مور را بیا و زند، هم
اطلاعه کرده چنان سیستمی را برای
این بجهه ها از سر سبیلی رها اثی
می باشد و هم در تو لیدات صنایع
دستی ترازید بعمل می آید.

۲- از چندین سال به این طرف
می شنوند که در شیر غان فلان
چاه بطرول اینطور شد و فلاں انتظار
و لی نیجه معنوم نگردید که ما
بالاخره چه وقت از خود نفت خواهیم
داشت؟

۳- در تیر پل هرات مقدار زیاد
نفت هو جسود است و کسی آنرا
استخراج نمیکند.

۴- در صفحات شماره به صد ها
هزار جریب زمین مو جود است که
از سبب قلت آب یا فقدان آن دایر
مانده یا اینکه یک قسمت را مردم
لهمی میکارند. در حا لیکه در بسیاری
از مناطق شمالی آب نزدیک زمین
واقع است و تنها ساختن بند و
کانال لازم دیده می شود.

بچه های زمانه

(باقیه صفحه ۲)

۱- ما به نظر صایب پیر مردان
از همه بیشتر احتیاج داریم. بیشنهاد
اول شما مربوط به اتحادیه صادر
کنند کان قانین است. با آنها
امکانات این کاز و مشکلات آن را
آغازده بیشتر بی اد بی نکند هم
بطلاعه کرده برایها بنویسند. اگر
بجهه ها از کوچه ها جمع آوری
شده صاحب کسب و کار کر دند
بهترین خدمت اجتماعی را انجام
داده خواهیم بود.

۲- از چاهای شیر غان گاز
طبیعی بدست می آید که تو سط
پایپ لاین (بوله های بزرگ) به اتحاد
شوری صادر میگردد. را جمع به
نفتی که ازین چاه ها حضور میشود
منتهی است وزارت معاذن و صنایع
قدرتی معلومات بدهد.

۳- مو ضوع وجود نفت در تیر پل
و امکانات استفاده ازان نیز یک
مسئله اختصاصی است که این
به وزارت معاذن و صنایع از تا ط
دارد و روشنی افکنند بران از طرف
ایشان خیلی مطروح است.

۴- ساختمان بند های آبیا ری
سرروی های قبلی و مصرف بودجواری
ایجاد میکند. امید و ازیز و زارت
زراشت و آبیاری درین قسمت
خواهد کان ما را تقویت نماید.

آگاهی

در ملی سینما تیاتر عالیترین
فلم موزیکال سرا پا رنگه هندی
دادای خواندنیای دلچسپ و رقصهای
وکشور های جنوب شرق آسیا
بدست می آید.

غیر از دو فقره فوق باسو بالای
حکومت مرکزی فشار وارد نموده تا
بیست میلیارد «افغانی» کمل پیشیمینی
شده اقتصادی را برای پلان پنجساله
جهار بیکار خود بیان از دارد و به همین
حکومت مرکزی مطالبات آن را پیش
کرده است.

«سینم کرفتن و دریافت عواید
همکی اینسان نیستند و بهتر از
او نیز. و برای تشنج دیگر شما
سوال نکنید و آغا زاده جو اب
نهاده.

ساجی عبدالروف مقصودی
بافندگی منسوجات نخی و سندی

ABDUL RAUF MAQSUDI
TEXTILE MILLS KABUL

ساجی مقصودی مخصوصاً جدید خود را تقدیم میدارد:
کتان برگ ها و جنسیت های مختلف، تکه های را هدایت
هر نوع فرمایش را می پذیرد.
نایاندگی فروش: سرای هزار گل دکان عارف و تمام دکان های تکه
فروشی کابل و ولایات.

مترجم غلام احمد پوبل

داستان جهانگردی مارکو پولو

یک مرکز همیشگی بیش روی در و ازه
در وازه همیشگی. پیش روی در و ازه
شروع رود آمو تا حصه علیای آن محل عبا دت زوار است. در اینجا یک
شروع دلیلی بری که کا ملا بر خلاف حوض مصفی نیز آن برج را
کسانی را دیدند که بمرض جذام گرفتار
بودند. با وجود زخمی مدد هش
در از خانه ها عبور کرده بودند. ها از خانه ها آشیانه کردند. های زیادی آشیانه
لی دارد و حصه شر قی آن به بالای یک مدرسه که من کن علوم وا سطه جوی چه ها تمام کن
و خشت خام ساخته شده که در ازیزی
بارانهای شدید تکه تکه جدا شده
میریزند اما خانه های سنگی عالی
میگردند و بالای مناز آنچا نیز لک که از بازارهای
سوزه های قر آن کریم را حفظ فروانی جمع میشوند. مهمن ندار
لک لک ها آشیانه داشتند. درینجا نخواهیم
میگردند و بالای مناز آنچا نیز لک که از بازارهای
آن است.

از شیمیگل

مردم ریش سفید فرانک دیده می فارسی و مسلمان گر فناز امراض

ب میشود خیلی و سیمی می شود اما

آن ازدراه را ازنجا کچ کنید این رود

ر شمال از دشت و بیان بان گذشت

یک غیر منتهی میشود که از ارال نام

ارد. از بالای یخ عبور کردیم و

ما مورین پو سمه سریع بما کمک

فرزند. گذر در نزدیک سنتیشن

وست واقع است در تا بستان مردم

بنجای را از کنند ند پشه فوق العاده

ر عذاب میباشد. ما هم از شر

در منطقه رو هندوستان روه

فضای حیاتی رامالک اند ملیو نهاد

از بنکال غربی است «پولیس ها

بوده به غذای بخور و نمیر اکتفا میکند

جديد را در یکی از نواحی کلکته

اساس بکار راه ای بزرگ از کار

بیست ساله حکومت کانکرس س

می باشد.

باسو با موافقت پنهانی صدراعظم

بنکال «آجوئی موکرچی» که وی نیز

چهار سال قبل کانکرس را ترک کفته

است حزب عوام یا جمهور مردم را

تشکیل داد و استقلال تام می باز

مالی بنکال راهبردی درس داده شود

در راس آن قرار دارد و از سال

که برای خلق خدمت نمایند نه برای

کاپیتالیست ها» پولیس های ایالتی

این درس را بسیار آموختند و ازمه

مارج تاکنون مبارز طبقه تی زحمت

کشان بنکال راهبردی زور گویی

مرکز دهلی پشتیبانی میگردند.

در هیچ یک از ایالتات متحده به امداد خود خواست اما از آن

میگیرند.

تمام اطراف بخرا را غرق شکو فه

بود. هر میوه که دل انسان به آن

رغبت میداشت درینجا ما نندباغ

جنت به و فرط می روید. چون

بروت به مقدار زیادی بیدا میشود

سده کرم پله نیز به آسانی تریه

پیشود. دیوارها، بر جهای و منازه ها

ز دور این شهر مسلمانان را نشان

سده که ایندره که ایندره

میگیرند.

تمام اطراف بخرا را غرق شکو فه

بود. هر میوه که دل انسان به آن

رغبت میداشت درینجا ما نندباغ

جنت به و فرط می روید. چون

بود حال تا اندیزه پر شده در قلعه تا

بیش از دو اسال کو سمه تیمین چین

حکمرانی میگرد. خیلی حریص بود

و روابط او با کوبلای خان خراب شد

و کوبلای خان کنای رسی را آنقدر

رود فراموش نمیگرد و عفو نمی

نماید.

آقایون پو تو محل بود و باش

خود را به تزد رفاقت تجارتی قدم

خود انتخاب کردند. ایشان کار گا

ازبک و قر کمن و مسلمان و خیلی

مهمن نواز بودند. مسرا میتواند

آن اشخاص را که سایق دیده بود

خیلی پیر یافت. ایشان کار گا

های کرم پله را اداره میگردند و از

تمام شفوق و مو ضو عات تجا رتی

فوق العاده با خبر بو د از خود

کاروانهای تجارتی مستقل داشتند.

ایشان به نو بت شمسه را از

نشان دادند. مسجد عاصی شان

هنوز جدید است. قلعه دا رای د و

در شمشیر هفت میلیونی کلکته

